

گزارشی از یک همایش هرمنوتیک و اجتهاد در فقه سیاسی شیعه

مقاله ۵، دوره ۱۵، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۷، صفحه ۱۸۵-۱۹۵

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

نویسنده

سید باقری

اصل مقاله

نخستین نشست از سلسله نشست های (هرمنوتیک و اجتهاد در فقه سیاسی) با حضور جناب آقای دکتر حقیقت و اعضای گروه فقه سیاسی چهارشنبه نهم بهمن ۱۳۸۷ در پژوهشکده اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد.

دکتر سیدباقری در ابتدای جلسه در زمینه ضرورت بحث به نکاتی مانند حضور قدرت مندانه روش های جدید در کنار روش های بومی - اسلامی، ضرورت شناخت و فهم سنجیده روش های جدید و تأثیر آنها در روش اجتهاد و تأثر از آنها، ضرورت بازخوانی، بازسازی و بازفهمی روش های بومی در مقایسه با روش های جدید و بایستگی ارائه تصویری روشن و شفاف از دانش هرمنوتیک در جامعه ما و جلوگیری برداشت های نادرست از آن اشاره کرد.

وی در اهداف این پروژه به نکات زیر اشاره کرد: بازشناسی مناسبات روشی اجتهاد و هرمنوتیک، شناسایی کاستی ها و توان مندی های روش اجتهاد برای پویایی و تحول آفرینی بیشتر در استنباطات سیاسی - اجتماعی و روزآمد از متون و نصوص دینی در نگرش تطبیقی با هرمنوتیک، سنجش میزان تأثیرپذیری اندیشه واران مسلمان از هرمنوتیک و داوری درباره آن، گویاسازی نوع چالش ها در حوزه خوانش متن به ویژه متون دینی باتوجه به روش هرمنوتیک.

سپس دکتر حقیقت باتوجه به این پیش فرض ها، علوم طبیعی و انسان را به دلایل زیر از لحاظ روش شناسی متمایز دانست؛ دلایلی چون ارادی بودن جهان انسانی، موجبیت علوم طبیعی، تجانس محقق موضوع - تحقیق در علوم انسانی و آگاهی انسان.

آن گاه وی افزود: پدیده های اجتماعی دارای ابعاد ذهنی خاصی هستند و با دنیای خاص ارزش ها پیوند دارند و بدون اطلاع از این ارزش ها فهمیدنی نیستند. فهم و ادراک مشکلاتی دارد، از جمله این که مربوط به دنیای خاص ضمیر فرد است و گزینشی و انسانی - ارزشی است و شناخت واقعیت حیات انسانی بدون در نظر گرفتن متن یا مجموعه، امکان نمی پذیرد.

وی در ادامه با اشاره به نفی هرمنوتیک کلی گفت: در هنگام سخن گفتن از آن و جست وجو برای یافتن پیوند میان آن با اجتهاد، باید از نحله های هرمنوتیک سخن گفت.

در تبیین نحله های هرمنوتیک، هفت نحله مهم زیر را مطرح کرد:

۱. هرمنوتیک شلایر مآخر: در هرمنوتیک شلایر مآخر چند نکته اساسی وجود دارد: ممکن نبودن کنار گذاشتن پیش داوری ها، تساوی دانستن دستور زبان با دانستن زبان (نه به عنوان زندان اندیشه)، معنای نهایی متن، اصالت دادن به نیت مؤلف، توقف فهم متون مقدس بر فهم دستوری انواع عبارات و صورت های زبانی فرهنگی مؤلف و فهم فنی یا روان شناختی ذهنیت مؤلف.

وی به این نکته پرداخت که از میان نحله های هرمنوتیک این نحله قرابت بیشتری از حیث روشی با روش اجتهاد دارد؛ زیرا که در روش اجتهاد نیز مجتهد در خوانش متون، در جست وجوی فهم نیت مؤلف با تأکید بر فهم دستور زبان و گاه زمینه های روان شناختی صدور روایات است؛ آن گونه که در روش اجتهاد برای متون و نصوص اسلامی، معنای نهایی متن وجود دارد، حال ممکن است که مجتهد به آن دست یابد یا آن که به خطا رود.

۲. هرمنوتیک دیلتای: برخی از اصول آن عبارت است از تفاوت علوم انسانی (فرهنگی) و طبیعی (با تکیه بر کانت)، آشتی بین تاریخیت انسان و عینیت علوم انسانی و آن گاه نقد اثبات گرایی. هرمنوتیک دیلتای نه به دنبال شناخت متن است و نه به دنبال شناخت معنای متن.

۳. هرمنوتیک وجودشناسانه هایدگر و گادامر: در این نحله هرمنوتیک، هایدگر و شاگرد او گادامر به چند نکته اساسی باور دارند. آنان هرمنوتیک را به مانند (روش) نمی دانند، بلکه آن را (بینش) می شمرند. گادامر به مباحث معرفت شناسانه بازمی گردد و به تأثیر در ذهنیت مجتهد و عوض کردن بستر فهم او، توجه به پیش فرض ها و دور هرمنوتیک و لایه های فهم و نسبت اشاره می کند. این نحله هرمنوتیک با توجه به آن که بینش است و نه روش و از آن جا که نوعی نسبت نیز در آن وجود دارد، هرچند که نسبت پست مدرنیستی نیست، با روش اجتهاد، قرابت و اشتراک چندانی ندارد. این شاخه هرمنوتیک به گونه ای است که در بینش و نوع نگاه پژوهش گر اثر می گذارد و آن را دگرگون می سازد.

۴. هرمنوتیک عینی گرای بتی و هرش: عینیت تفسیر (برخلاف هرمنوتیک هستی شناسانه) و جداکردن فهم از تفسیر (در اولی نیت مؤلف وجود دارد) نکته های گفتنی این شیوه هستند. از نظر منطقی هرگونه تطبیق و کاربرد از فهم اثر و پدیده تاریخی متأخر است. مداخله دادن سویه کاربردی در عمل فهم موجب تغییر در رسالت اصلی مفسر می شود؛ گادامر سویه کاربردی را جزء جداناپذیر هرگونه فهم و تجربه هرمنوتیکی می داند، حال آنکه کاربرد و تطبیق

فقط در برخی جاها زمینه دارد و حتی در جاهایی که تطبیق و کاربرد زمینه دارد، باید میان دوگونه مفسر تمایز گذاشت (برای نمونه، حقوق دان با مورخ حقوق، تفاوت دارد).

بتی برای فرآیند فهم خود چهارمرحله نام می برد:

یکم. مرحله فقه اللغه که مفسر به تحقیق درباره نمادها و نشانه های ثابت متن می پردازد؛

دوم. مرحله انتقادی که روی کرد پرسش گرانه مطرح است؛

سوم. مرحله روان شناختی که مفسر خود را به جای مؤلف قرار می دهد تا وضعیت ذهنی مؤلف را بازشناسی کند؛

چهارم. مرحله فنی - شکل شناختی که بیشتر به تفسیر پدیده های اجتماعی اختصاص دارد.

۵. هرمنوتیک انتقادی هابرماس که در آن بر گفت وگو، حوزه عمومی و رهایی تأکید می شود.

۶. هرمنوتیک ترکیبی ریکور: نوآوری در حکمت عملی، هویت روایی، هرمنوتیک مضاعف، ترکیبی بودن، جمع بین تبیین و تفهم، در نظر نگرفتن نیت مؤلف، نزدیک شدن به جماعت گرایی.

۷. هرمنوتیک روش شناسانه اسکینر: نقد متن گرایی و زمینه گرایی براساس ویتگنشتاین متأخر.

گفتنی است که از میان این نحله ها، هرمنوتیک شلایر مآخر، هرمنوتیک عینی گرای بتی و هرش و هرمنوتیک روش شناسانه اسکینر از دیگر نحله ها با اجتهاد، قرابت و اشتراکی بیشتر دارند و از آنها در توان مندسازی برخی از مباحث اجتهاد می توان یاری گرفت. البته این امر هرگز به معنای یک سان سازی میان اجتهاد و هرمنوتیک نیست.

در ادامه جلسه حاضران به طرح پرسش ها و مباحثی مانند ضرورت طرح (هرمنوتیک مقدس)، بایستگی یا عدم بایستگی بهره گیری از این روش ها در مطالعات و پژوهش های اسلامی، امکان یا عدم امکان گزینش برخی از اجزاء روش های هرمنوتیک در پژوهش های اسلامی، نسبیّت در هرمنوتیک و... پرداختند.

سپس دکتر حقیقت با اشاره به شایستگی و بایستگی آگاهی پژوهشگران از این روش ها، بر لزوم بهره گیری از این روش ها در مطالعات فقهی - سیاسی تأکید کرد و افزود: نمی توان گوشه ای از یک روش را برگزید و دیگر مباحث را رها کرد. روش مجموعه ای از اجزاء درهم تنیده است و به تعبیری اگر پژوهشگر روشی را برگزید، باید به همه لوازم و آثار آن تن دهد، مگر اینکه پژوهشگر خود روشی جدید بنیاد نهد که البته این کار امری سخت، دقیق و حساس است.